

1. Full Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom (Corresponding Author); Email: drabdipour@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعه تطبیقی رویکردهای رویه قضایی در تفسیر و اجرای اصل انطباق دقیق اسناد و اعتبارات اسنادی

ابراهیم عبدی پور فرد^۱

بدیع فتحی^۲

تاریخ دریافت ۹۹/۰۵/۰۵ - تاریخ پذیرش ۹۹/۱۱/۱۸

چکیده

اصل انطباق دقیق اسناد در کنار اصل استقلال اعتبارات اسنادی از اصول حاکم بر اعتبارات اسنادی به عنوان یکی از مهم ترین روش های پرداخت در تجارت بین المللی است. در خصوص مفهوم و قلمرو اصل انطباق دقیق در رویه قضایی بین المللی کشورهای آمریکا، انگلستان، ایتالیا، آلمان و چین رویکردهای مختلفی وجود دارد. دو رویکرد عمده تفسیری در این باره عبارت اند از رویکرد انطباق آینه وار و رویکرد انطباق اساسی. در عین حال معیارهای تفسیری هر دادگاه نسبت به یکی از این دو رویکرد متفاوت می باشد؛ چنانچه در خصوص غلطهای املائی و تایپی این دو رویکرد عمده، خود را در قالب شش جلوه تفسیری نشان می دهد. به نظر می رسد به جهت رد شدن حجم بالایی از اسناد توسط بانکها، محاکم به سمت رویکرد انطباق اساسی در حال حرکت می باشند. در مقررات یو سی پی ۶۰۰ نیز این حرکت به نحو محسوسی دیده می شود. در حقوق قضایی ایران، رویه قضایی هنوز در انتخاب یکی از این دو رویکرد مردد است.

واژگان کلیدی: اعتبارات اسنادی، اصل انطباق دقیق، مطابقت اساسی.



۱. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛

رایانامه: drabdipour@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.



مقدمه

اعتبارات اسنادی^۱ یکی از روش های پرکاربرد و مطمئن در تجارت بین المللی است. این روش پس از جنگ جهانی اول اهمیت فراوانی یافت؛ زیرا در طول جنگ با ابزارهای سنتی پرداخت، صادرکننده دیگر اعتمادی به واردکننده جهت دریافت ثمن نداشت (karl, 2004: 100) پس از جنگ جهانی دوم و نزدیک تر شدن روابط اقتصادی میان دولت ها این ابزار به عنوان نیرومندترین ابزار تجاری بین المللی خود را مطرح ساخت. با این وجود، به کارگیری این وسیله بدون مشکل و مخاطره هم نمی باشد. دو اصل راهبردی و بنیادین «استقلال اعتبارات اسنادی» از روابط حقوقی پایه و اصل «انطباق دقیق اسناد» جهت کاستن از مشکلات و مخاطرات ناشی از به کارگیری اعتبارات اسنادی می باشد؛ اما گویی اصل انطباق دقیق به جهت مشخص نبودن دقیق مفاد آن، خود را تا حد مشکل در اعتبارات اسنادی ظاهر کرده است. بانک ها سخت گیری شدیدی در اعمال این اصل دارند؛ زیرا منافع آنها در خطر است و تأمین منافع آنها در گرو این سخت گیری است. (khademan, 1996: 169) در انگلستان رد اولیه اسناد بین ۵۰ تا ۶۰ درصد، در سنت لوئیس آمریکا ۷۷٪ در سانفرانسیسکو ۷۵٪ گزارش شده است. آماری که با همکاری سه مرجع بین المللی از جمله ICC در سال ۲۰۰۵ و توسط LC Market Intelligence Survey صورت گرفت، نشان داده شد که رد اسناد به طور میانگین در اعتبارات اسنادی مربوط به صادرات کالا ۵۶٪ و برای اعتبارات اسنادی واردات کالا ۵۲٪ بوده است. DC-PRO, (2005: 231) این امر نشان می دهد که مقررات در خصوص نحوه اجرای انطباق اسناد توسط بانک ها به اندازه کافی روشن نیست.



1. Letters of credit
2. controlling the letter of credit transaction the new jersey state bar association, at www.concneellfoley.com/articles/moses.html.



در خصوص اصل انطباق دقیق اسناد تجاری در حقوق ایران پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته است؛ اما در این مقاله رویکردهای جدید به اصل انطباق دقیق مورد توجه خواهد بود و نیز معیارهای به کار گرفته شده در رویه قضایی بین‌المللی در خصوص غلط‌های املائی و نوشتاری در اسناد مورد بررسی قرار می‌گیرد. پرسش اصلی این مقاله بر حول محور معیارهای به کار گرفته شده در خصوص تفسیر و اجرای اصل انطباق دقیق است و در جهت پاسخگویی آرای از دادگاه‌های کشورهای آمریکا، چین، آلمان، انگلستان و ایتالیا مورد بررسی قرار گرفته است. در ایران هر چند مفهوم اصل انطباق دقیق در برخی آرا مورد شناسایی قرار گرفته است اما تلاش گسترده‌تر، جهت دسترسی به رأی در این باره با همکاری سرپرست محترم مجتمع شهید بهشتی تهران و قضات رسیدگی‌کننده به پرونده‌های اعتبارات اسنادی و با بررسی حدود هفتاد و اندی رأی صادر شده در مورد اعتبارات اسنادی، به جز در یک مورد بی‌نتیجه ماند.

۱. سابقه تاریخی اصل انطباق دقیق

پیشینه تاریخی اصل انطباق دقیق به سال ۱۹۲۶ در کشور آمریکا برمی‌گردد که در پرونده *camp v.com Exchange National Book* مطرح شد.^۴ در پرونده *first National Bank of Atlanta V.wynne far Ea textile ltd v.city national Bank and trust co* به طور آشکارا دادگاه نظریه مطابقت اساسی را به کار گرفت^۵ و در دعوی *far Ea textile ltd v.city national Bank and trust co* دادگاه هر دو معیار مطابقت اساسی و انطباق لفظ به لفظ را به تفصیل مطرح کرد که در

۱. (شهبازی‌نیا، الهلونی زارع، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۴۷)؛ (شهبازی‌نیا، الهلونی زارع، ۱۳۸۸: ۱۷۲-۱۵۷)؛ (بناء نیاسری، ۱۳۹۶:

۲۶۲-۲۳۵)؛ (سلطانی، لسانی، ۱۳۹۶: ۲۸۲-۲۵۹)؛ (ابریشمی، جمالی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۴۲-۱۲۱)

۲. شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۴۰۷ تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۵، دادنامه شماره

۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۴۰۵ تاریخ ۱۳۹۲/۴/۲۵، شعبه ۱۸ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران،

دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۷۸۰۱۳۲۸-۹۱/۱۲/۲۸. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۷۸۰۱۳۲۸-۹۱/۱۲/۲۸.

۳. شعبه ۱۴ دادگاه حقوقی تهران، دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۷۴۰۰۳۶۱ تاریخ ۱۳۹۶/۳/۳۱.

4 132A,191(1926) said: (Winston chew choontek,1990, 71-72 . MULAUDZI 2017,p10)

5 26uccRep. 1273(1979)





نهایت دادگاه انطباق لفظ به لفظ را برگزید. توجیه دادگاه بر این پایه بود که مطابقت لفظ به لفظ در راستای ملاحظه و رعایت و مراجعه قرارداد میان بانک و فروشنده می‌باشد؛ اما مطابقت اساسی در راستای ملاحظه بانک و خریدار می‌باشد.^۱ در این پرونده برای سفارش خریدی که توسط Larry fannin امضاء شده بود گشایش اعتبار اسنادی درخواست شده بود. هنگامی که ذی‌نفع، سندی که از طرف Larry fannin به امضای Paul Thomas رسیده بود تسلیم کرد، صادر کننده اعتبار اسنادی از پرداخت امتناع کرد. در دعوی که ذی‌نفع بر بانک مطرح کرد، دادگاه اعلام داشت: بانک حق داشته است که سند را نپذیرد زیرا مستلزم آن بوده که بانک اختیار و صلاحیت Thomas را بررسی کند. البته به نظر ما دادگاه حتی با پذیرش اصل انطباق اساسی نیز می‌توانسته به چنین نتیجه‌ای برسد زیرا در اعتبارات اسنادی مشخص نشده بوده که Thomas می‌تواند از طرف Larry fannin امضاء کند.

۲. دلایل شکل‌گیری و کارکرد اصل انطباق دقیق

در فرآیند اعتبارات اسنادی بانک مسئول پرداخت وجه می‌شود. در این روش خریدار کالا را نمی‌بیند و برابر اعتبارات اسنادی به بانک اعلام می‌کند که پول را در برابر اسناد مشخصی پرداخت کند. بانک‌ها برای بررسی کالا کارشناس ندارند و خودشان نیز دانش این کار را نداشته و نیز نمی‌توانند مسائل و شروط قراردادی را که میان متقاضی و ذی‌نفع است بررسی کنند و از سویی دیگر چون مسئول پرداخت ثمن نسبت به ذی‌نفع اعتبارات هستند، منافعتشان ایجاب می‌کند که اسناد را با دقت و در بسیاری موارد با وسواس بررسی کنند تا بدین گونه خود را در معرض خطر قرار ندهد (cranston, et al, 1997: 424) زیرا اگر وجه را پردازند و اسناد مطابق اعتبارات اسنادی نباشد و در نتیجه خریدار به کالایی که می‌خواسته نرسد، بانک در برابر خریدار مسئول می‌باشد؛ بنابراین کارکرد اصل انطباق دقیق عبارت است از: نخست) ایجاد امنیت بر فروشنده‌ای که خریدار را ندیده است،





دوم) ایجاد امنیت خاطر نسبی برای خریداری که کالا را ندیده است تا بررسی کند که آیا کالا برابر قرارداد می‌باشد یا خیر، سوم) بانک با اعمال این اصل خطرات ناشی از دعوای خریدار یا فروشنده علیه خودش را کاهش می‌دهد و ریسک خود را کم می‌کند.

۳. تعریف اصل انطباق دقیق

همیشه این اصل میدانی برای جدال بانک‌ها و مشتری و فروشنده بوده است. تلاش برای ارائه تعریفی از این اصل نخست در پرونده Summer in Equitable Trust Co. of New York v. Dawson Partners Ltd توسط قاضی لرد سامنر در انگلستان در سال ۱۹۲۷ ارائه شد^۱ که اعلام داشت در نبود جایی برای انطباق اسناد و نیز در بی‌خبری بانک‌ها از جزئیات معاملات بانک‌ها باید بر مبنای آنچه گفته شده عمل کنند تا با خطر مواجه نشوند. این تعریف سپس توسط سایر دادگاه‌های انگلستان توسعه یافت از جمله این که اعتبارات اسنادی از شمول قاعده «de mininis non curatlex» خارج شد. قاعده مزبور بدین معنا است که معمولاً حقوق به امور ناچیز و جزئی توجه نمی‌کند.

در UCP 600 به اصل انطباق دقیق تصریح نشده است اما مفاد آن در بند الف ماده (۱۴) این گونه بیان شده است: «بانک تعیین‌شده‌ای که موافقت خود را اعلام کرده، بانک تأییدکننده، در صورت وجود، همچنین بانک گشاینده، برحسب مورد، باید اسناد ارائه شده را بررسی و صرفاً بر اساس صورت ظاهر اسناد مشخص کنند که آیا اسناد ارائه شده مطابق با شرایط اعتبار است یا نه». (ذوقی، ۱۳۹۴: ۴۰) این ماده دقیقاً پیوند اصل استقلال اعتبارات اسنادی و اصل انطباق دقیق را آشکار می‌سازد.^۳

۴. مفهوم برابر صورت ظاهر

معنای «بر اساس صورت ظاهر» این است که بانک‌ها وظیفه‌ای ندارند که بررسی کنند آیا اسناد ارائه شده درست است یا خیر؛ یعنی بانک به اسناد کار دارد و به واقعیت خارجی



1. Equitable Trust Co. v. Dawson Partners Ltd., 27 Lloyds' List L.R. 49, 52 (H.L. 1927).
2. The Uniform Customs and Practice for Documentary Credits - UCP 600
3. See (Jack, 2001, note 7, No. 8.47.) and (Oelofse, 1997: 7-9)



کالا کاری ندارد. در دعوی قدیمی Maurice o'Meara Co. v. National Park Bank که علی‌رغم صورت صحیح ظاهر اسناد، بانک به جهت شک نسبت به کیفیت کالا از پرداخت اعتبارات اسنادی خودداری کرده بود، دادگاه به این مشخصه اعتبارات اسنادی تأکید کرد و اعلام داشت که بانک مسؤول پرداخت وجه به ذی‌نفع می‌باشد و ضرورتی برای واری کردن کالاها ندارد و تنها باید اسناد را بررسی کند که آیا با مندرجات اعتبارات اسنادی مطابقت دارد یا خیر. (Murry, 1993: 406) در این دعوا قضات موافق، استدلال کرده بودند که اگر حق واری کالا به بانک داده شود همه اهداف اعتبارات اسنادی به عنوان یک ابزار پرداخت با شکست مواجه خواهد شد. در مقابل، قضات مخالف استدلال کرده بودند که بانک گشاینده اعتبار غالباً با تکیه و اعتماد بر کالا به عنوان یک تضمین برای خریدار گشایش اعتبارات را انجام می‌دهد و چگونه بانک می‌تواند بر اساس یک تضمین ناکافی وجه را پردازد؟

در حقیقت می‌توان گفت «برابر صورت ظاهر» بدین معنی است که بانک نیازی ندارد شک کند که اسناد ممکن است صحیح نباشد یا کالاهایی که اعلام شده بایستی حمل شود، حقیقتاً حمل شده یا خیر و آیا اسناد ممکن است بلافاصله بعد از صدور بی‌ارزش شده باشند یا خیر؟ در واقع «وضعیت واقعی» ربطی به بانک ندارد. (Rooy, 1984: 121) مفهوم برابر صورت ظاهر عباراتی را که معمولاً در پشت اسناد درج می‌شود، نیز در بر می‌گیرد. (شهبازی نیا، الهلونی زارع، ۱۳۹۰: ۱۵۳) این بررسی نه بر اساس ضوابط محلی بلکه به صراحت بند (ت) ماده (۱۴) یو سی پی ۶۰۰ و بر اساس ضوابط بین‌المللی صورت می‌گیرد. بانک‌ها تنها صورت ظاهر اسناد را مورد بررسی قرار می‌دهند، بنابراین فرضاً تشخیص اینکه کشتی مشخص شده قابل پهلویی در بندر مورد نظر می‌باشد یا خیر، بر عهده بانک نیست و نمی‌توان انتظار داشت سطح دانش یک بانکدار منطقه اسکاندیناوی پیرامون شرایط حاکم بر بازار این منطقه و یا بازار اروپا با معلومات یک بانکدار چینی برابری کند. این قاعده که بانک صورت ظاهر را تنها مورد بررسی قرار می‌دهد بدین معنا نیست که بانک حتی در صورت اطمینان از غلط بودن اطلاعات ارائه شده با اطلاعات خود، در فرض جعلی نبودن مکلف به پذیرش اسناد باشد؛ برای نمونه بانک مطمئن است که کشتی مورد





نظر قابل پهلوی گرفتن در بندر X نیست؛ در این صورت بانک مکلف است در راستای رعایت «حسن نیت» به عنوان یک اصل کلی، از پذیرش اسناد سر باز زند. هر چند که در مقررات یو سی پی ۶۰۰ اشاره نشده که بانک‌ها باید حسن نیت داشته باشند اما با این حال بانک‌ها باید اصول و قوانین کلی را رعایت کنند. (لنگریج، ۱۳۹۴: ۲۳۳-۲۲۴ با اندکی تصرف). در دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۷۴۰۰۳۶۱ تاریخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شعبه ۱۴ دادگاه حقوقی تهران، دادگاه با استناد به «قواعد کلی» اعلام داشته است که بانک باید با حسن نیت به ضرورت بررسی اسناد بپردازد.

مفهوم اصل انطباق دقیق همیشه با ابهام مواجه بوده است دادگاه در طول این سال‌ها دو معیار اصلی برای اینکه چه سندی مطابق با اعتبارات اسنادی می‌باشد ارائه کرده است؛ «مطابقت لفظ به لفظ» و «مطابقت اساسی».

۵. محدوده و تفسیرهای مطرح در خصوص اصل انطباق دقیق

«اسناد ارائه شده باید با آنچه در قرارداد اعتبار آمده است، مطابقت نماید و بانک می‌تواند و باید مدارکی را که طبق شرایط اعتبار نیستند رد نماید».^۱ در همین راستا دو رویکرد عمده تفسیری در خصوص اصل انطباق اسناد وجود دارد یکی انطباق دقیق لفظ به لفظ یا آینه‌وار و دیگری انطباق دقیق اساسی؛ که در زیر به بررسی این دو می‌پردازیم:

۵-۱. انطباق لفظ به لفظ^۲

مطابقت لفظ به لفظ عموماً بدین معنا است که بانک باید اسناد ارائه شده توسط ذی‌نفع را با مندرجات اعتبارات اسنادی به صورت لفظ به لفظ انطباق دهد. «در غیر این صورت بانک نخواهد توانست به متقاضی اعتبار رجوع کرده و مبلغ پرداختی را دریافت کند زیرا اعتبار بر خلاف شرایط قراردادی پرداخت شده است.» (شعبه ۱۴ دادگاه حقوقی تهران،

۱ - شعبه ۱۴ دادگاه حقوقی تهران، دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۷۴۰۰۳۶۱ تاریخ ۱۳۹۶/۳/۳۱.

۲ - شعبه ۱۴ دادگاه حقوقی تهران از این روش به عنوان روش انطباق مطلق یاد کرده است. دادنامه شماره

۹۶۰۹۹۷۰۲۲۷۴۰۰۳۶۱ تاریخ ۱۳۹۶/۳/۳۱.





دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۷۴۰۰۳۶۱ تاریخ ۱۳۹۶/۳/۳۱. عمده دلایل و دغدغه‌های قائلین به این نظر این است که بانک باید بر مبنای دستور متقاضی برای گشایش اعتبارات اسنادی عمل کند و این از تعهد بانک محسوب می‌شود. از طرفی قرارداد پایه میان فروشنده و خریدار، خارج از اطلاع و آگاهی و داوری بانک می‌باشد. (karl, 2004: 23) همچنین بانک با ارائه اسناد توسط ذی‌نفع و مطالبه وجه، در صورت پرداخت و منطبق نبودن اسناد، خود را در معرض خطر قرار داده است. بنابراین با این رویکرد تفسیری تمامی این مسائل رفع می‌شود.

رویکرد تفسیری مطابقت لفظ به لفظ (آینه‌وار) خود به دو رویکرد تفسیری تقسیم می‌شود: مطابقت لفظ به لفظ سخت گیرانه و مطابقت لفظ به لفظ با مدارا که در زیر به آنها می‌پردازیم:

۱-۱-۵. مطابقت لفظ به لفظ سخت گیرانه^۱

برابر این نظر بانک وقتی به تعهد خود مبنی بر مطابقت اسناد عمل کرده است که دقیقاً همه مندرجات اعتبارات اسنادی را به همان نحوی که وجود دارد، لفظ به لفظ مطابقت داده باشد. (Folsom, et al, 1997: 163) حتی یک خط فاصله هم باید دقیقاً رعایت شده باشد؛ زیرا یک خط فاصله (-) هم می‌تواند منجر به تفسیرهای متفاوتی شود. چنانچه دادگاه تجدیدنظر فدرال آلمان (BGH) مجبور شده بود که تعیین کند که مقصود از (a-d) چیست؟ آیا آن گونه که در زبان ایتالیایی و انگلیسی تنها شامل (a و d) می‌شود یا آنکه آن گونه که در زبان سایر ملت‌ها معنا می‌دهد، بدین صورت که از a تا b یعنی c, d و b و a را نیز شامل می‌شود؟ (karl, 2004: 24) بنابراین کوچک‌ترین مغایرت غیر قابل مدارا می‌باشد؛ زیرا بانک نمی‌تواند قضاوت کند که آیا این مغایرت کوچک می‌تواند منجر به خسارت‌های هنگفت شود یا خیر؟





۲-۱-۵. مطابقت لفظ به لفظ با مدارا^۱

این نظر تفسیر موسع‌تری از مطابقت لفظ به لفظ ارائه می‌دهد. برابر این نظر غیر واقع‌بنیانه است که به خاطر خطایی فنی و اشتباه آشکار، اسناد ارائه شده را غیر معتبر بدانیم؛^۲ در واقع برابر این نظر غلط و اشتباه‌های آشکاری که نتایج بدی در پی ندارد و بر هر کس آشکار است که اشتباه شده است، موجب مغایرت اسناد نمی‌باشد. از این رو نگارش واژه mashine به جای machine موجب مغایرت اسنادی نمی‌شود اما نگارش واژه model 789 به جای model 987 موجب مغایرت اسنادی می‌شود. (Chimeramombe, 2017: 22)

۲-۵. مطابقت اساسی^۳

مطابقت اساسی^۴ بدین معنا است که لازم نیست همه موارد تقاضا، مطابقت مطلق داشته باشد بلکه مقصود آن است که در بردارنده عناصر اساسی و مهم باشد و لزومی به ذکر تمام جزئیات اسناد از جمله سیاهه تجاری در قرارداد اعتبار اسنادی نمی‌باشد.^۵ این تئوری در حقوق آمریکا رواج بیشتری داشته است. بر مبنای آن هرگاه طی یک تلاش متعارف اسناد به نحو اساسی منطبق باشند، دادگاه بایستی از اعتبار آن حمایت کند؛ به‌ویژه جایی که موارد اختلاف بنا بر ماهیتشان کم‌اهمیت هستند؛ بنابراین این نظر در مواردی که اختلاف کم‌اهمیت می‌باشد به کار می‌رود و در مواردی که اختلاف اساسی است برای پذیرش اسناد به کار نمی‌رود. (Folsom, et al, 1997: 162) این نظریه در پی حل دو مشکل است: نخست اینکه در عمل بسیاری از اسناد دارای اشتباه تایپی هستند. برای نمونه ۴۰ تا ۵۰٪ اسناد ارائه شده در بانک‌های لندن و دو سوم اسناد ارائه شده در بانک‌های سوئیس در سال ۱۹۸۳ غلط املائی داشته‌اند. دوم اینکه ذی‌نفع اعتبارات اسنادی برخی اسناد همچون سیاهه

1. Wide literal compliance.

2. Benjamin (sale of goods, 56).

3. Substantial compliance.

۴ - شعبه ۱۴ دادگاه حقوقی تهران از این روش به عنوان انطباق اصولی نام برده است. دادنامه شماره ۱۳۹۶/۳/۳۱ ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۷۴۰۰۳۶۱ تاریخ ۱۳۹۶/۳/۳۱.

5. Astro Exitonavegacion S.A(1986) lioyd,sre p455,QBD.

به نقل از: (شهبازی‌نیا، الهلونی زارع، ۱۳۹۰: ۱۶۱، با اندکی تصرف)





تجاری را می‌تواند دقیقاً برابر مندرجات اعتبارات اسنادی صادر کند اما برخی از این اسناد همانند بارنامه و اسناد حمل کالا و اسناد بیمه توسط شخص ثالثی غیر از ذی‌نفع صادر می‌شود و امکان کنترل و نظارت همه اسناد صادره از طرف اشخاص ثالث وجود ندارد. برابر این دیدگاه اسناد باید دقیقاً مطابق با اعتبارات اسنادی باشد. به تعبیری دیگر باید تصویری آینه‌ای^۲ از اعتبارات اسنادی باشد. اصل انطباق دقیق اساسی نیازمند کارشناسان ماهر و با دانش عمیق می‌باشد تا تعیین کنند که چه مواردی اساسی است و چه مواردی کم‌اهمیت (Mehta, 2007: 44) به همین جهت نظراتی مبنی بر اینکه معیار مطابقت اساسی، معیاری غیر مناسب و مشاگردانگیز می‌باشد و همچون ماشه تفنگ عمل می‌کند، وجود دارد. (Adam, 2006: 54)

در ایتالیا رویه قضایی قویاً هوادار نظریه انطباق اساسی می‌باشد. دیوان عالی کشور ایتالیا در سال ۱۹۵۳ اعلام داشت که مطابقت آینه‌وار اسناد لازم نیست و مطابقت اساسی کفایت می‌کند. آیین رویه تاکنون میان دادگاه‌های این کشور ادامه دارد. (Arban, 2005: 86)

۳-۵. دیدگاه سوم در خصوص تفسیر اصل انطباق دقیق

در این میان برخی کارشناسان اعتبارات اسنادی طرفدار هیچ‌یک از دو نظریه مطابقت لفظ به لفظ و مطابقت اساسی نیستند و بر این باورند که اصل مطابقت دقیق در UCP ذکر نشده است و این عبارت به وسیله حقوق‌دانانی که غرق در حقوق قراردادهای هستند، ابداع شده است و اصل انطباق دقیق، اصلی برای بانکداری صحیح نمی‌باشد. این انگاره بر این دلالت دارد که مطابقت باید بر پایه اسناد به عنوان یک کل و با مراجعه به نقش آنها در معاملات صورت گیرد و از آنجایی که این بررسی ماهوی است و عامل انسانی در آن دخالت دارد، بنابراین ارزیابی نباید طبق روش خاصی انجام شود و باید موردی و بر مبنای واقعیت‌ها باشد. (Byrne, 2009: 5)



1. (Eisemann, f. Rolf, A. (1979). Das Dokumentenakkreditiv im internationalen Handelsverkehr, Heidelberg: 302) said: (karl, 2004: 25)
2. Mirror image.
3. Gedito Italiano v. Banco di Sicilia, Corte di Appello di Palermo – July 30, 1951, Corte di Cassazione – October 17, 1953

۴-۵. نظر قابل پذیرش در یو سی پی ۶۰۰

به نظر می‌رسد تفسیر اصل انطباق دقیق تئوری باید به گونه‌ای باشد که منافع گوناگون و متعارض طرف‌های دخیل در فرآیند اعتبارات اسنادی همگی لحاظ شود و در عین حال منجر به اثرات منفی بر روی اعتبارات اسنادی به عنوان یک شیوه کارآمد پرداخت در معاملات بین‌المللی نشود. یو سی پی ۶۰۰ در انطباق دقیق کرنش نشان داده است و به طور کلی به دنبال کاهش موارد رد غیر ضروری اسناد توسط بانک‌ها می‌باشد و به همین جهت در بند (ت) ماده (۱۴) اعلام کرده است که تطابق ترتیب مندرجات اسناد ارائه شده با ترتیب مندرجات اعتبارات اسنادی لازم نیست و در ادامه همین بند اعلام کرده است که اسناد ارائه شده نباید تناقضی با خود سند ارائه شده و سایر اسناد ارائه شده داشته باشند. در بند (ث) ماده (۱۴) به موضوع دیگری که قبل از یو سی پی ۶۰۰ محل اختلاف بود پرداخته شده است که به جز در مورد سیاهه تجاری در سایر اسناد شرح کالا و خدمات و عملکرد می‌تواند به صورت کلی به شرطی که تناقضی با شرح آنها در اعتبارات اسنادی نباشد، بیان شود یا در خصوص ارائه اسناد توسط اشخاص غیر ذی‌نفع و یا حتی نامشخص، اعلام داشته که این امر به جز در مورد سند حمل و سند بیمه و سیاهه تجاری بلاشکال است. در بند د اعلام شده است که درج نشانی ذی‌نفع و درخواست کننده سند در هر یک از اسناد ارائه شده نیازی به مطابقت با نشانی‌های ذکر شده در سایر اسناد و یا اعتبارات اسنادی ندارد و نیز سایر بندهای ماده (۱۴) و نیز سایر مواد از جمله بند (ب) ماده (۲۰) به خوبی نشان می‌دهد که یو سی پی ۶۰۰ مطابقت لفظ به لفظ سخت‌گیرانه را کنار گذاشته است. با این همه نمی‌توان انتظار داشت که اختلاف‌ها در خصوص اصل انطباق دقیق تمام شده باشد بلکه می‌توان گفت موارد رد اسناد توسط بانک‌ها ضابطه‌مندتر از گذشته شده است. این امر در پیوند با سیاست دیگری یو سی پی ۶۰۰ (مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶) مبنی بر کاهش مسئولیت بانک‌ها همانگ است. همچنین در رویه‌های بین‌المللی عملیات بانکی (ISBP)^۱ رویکرد تفسیری انطباق لفظ به لفظ سخت‌گیرانه رد شده است.





۶. قلمرو اعمال اصل انطباق دقیق

اصل انطباق دقیق در همه انواع اعتبارات اسنادی به کار گرفته می‌شود و نیز در همه روابط حقوقی که میان اشخاص و بانک‌ها رخ می‌دهد، اعمال می‌شود. این اصل در اعمالی که توسط بانک صادرکننده، بانک تعیین شده، بانک تأیید کننده انجام می‌شود را در بر می‌گیرد؛ اما در مورد بانک ابلاغ کننده که تنها مأموریت ابلاغ اسناد را دارد این اصل قابل اعمال نیست. (ماده ۱۴ یو سی پی ۶۰۰) در ماده (۱۹) مقررات متحدالشکل ضمانت‌نامه‌های عندالمطالبه موسوم به URDG758، این اصل مورد پذیرش قرار گرفته است (تذهیبی، ۱۳۹۴: ۳۸) اما این اصل در روش عملیات وصولی urc 522، مورد تصریح قرار نگرفته است.

۷. حق متقاضی (خریدار) در انصراف از موارد مغایرت اسنادی

باید توجه داشت که رد اسناد ممکن است موجب خسارت خریدار شود؛ زیرا باید در جهت اصلاح آن برآید و این موضوع زمان‌بر است که در عمل موجب تعویق ارسال کالا می‌شود و این امر می‌تواند موجب از دست رفتن بازار فروش کالا شود. به همین جهت به خریدار حق داده شده است که از موارد اختلافی صرف‌نظر کند. بانک‌ها تکلیفی به اعلام موارد مغایرت به خریدار ندارند اما اختیار دارند بر مبنای صلاحدید شخصی موارد مغایرت را به متقاضی اعلام کنند و بر اساس پاسخ خریدار در مهلت مقرر برای بررسی توسط بانک (حداکثر پنج روز از ارائه سند توسط ذی‌نفع اسناد) عمل کنند. (بند ب ماده ۱۶ مقررات یو سی پی ۶۰۰)

۸. برخی دعاوی مطروحه در خصوص اصل انطباق دقیق

در هر عملیات اعتبارات اسنادی ابتدا خریدار فرم بانک درخواست گشایش اعتباری بانک را پر می‌کند و سپس بانک بر اساس سیاست‌های بانک و مقررات پیش‌نویس اعتبارات اسنادی را برای فروشنده می‌فرستند، متأسفانه به جهت دخالت عامل انسانی هر





یک از این دو مرحله ممکن است دارای اشتباه تایپی یا هجی غلط (spell) باشد. این چنین اشتباهاتی ممکن است برای ذی‌نفع مهلک باشد. قواعد یو سی پی به خودی خود مقرراتی در خصوص غلط املائی و اشتباهات تایپی ندارد؛ نخستین بار در سال ۲۰۰۲ با انتشار ISBP در این باره اشاراتی شد و در ISBP سال ۲۰۱۳ در پاراگراف ۲۳ آ، چنین گفته شده است که غلط املائی یا تایپی چنانچه اثری بر معنای کلمه یا جمله نداشته باشد، موجب تعارض اسناد نمی‌شود. برای نمونه در توصیف جنس، اشتباه در نگارش یا spell غلط واژه «mashin» به جای «machine» یا «fountan pen» به جای «fountain pen» یا «modle» به جای «model» سند را مغایر نمی‌سازد؛ ولی توصیف جنس «123modle» به جای «321 model» اشتباه تایپی تلقی نمی‌شود و موجب مغایرت در اسناد می‌شود. (شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۴)

ما در زیر به پرونده‌های که در خصوص غلط املائی و تحریری مطرح شده با ذکر معیار به کار گرفته شده هر دادگاه بررسی می‌کنیم. شایسته ذکر است چنانچه زمان طرح پرونده قبل از سال ۲۰۰۶ باشد، این موضوع را بر اساس مقررات کنونی حاکم بر اعتبارات اسنادی ارزیابی می‌کنیم که اگر امروزه این پرونده‌ها مطرح می‌شد، دادگاه احتمالاً چه تصمیمی می‌گرفت؟

۸-۱. دعوای اول و معیار آیا اشتباه تایپی به روشنی قابل تشخیص است یا خیر؟

در دعوای Hanil Bank v. PT. Bank Negara Indonesia (Persero) (New York, 2000) USA, برابر پرونده متقاضی اعتبارات اسنادی از بانک Bank Negara indonesia(persero) (BNI) درخواست کرد که اعتبارات اسنادی به نفع sungjunFlectronicsco.,ltd. (sungjun) بانک BNI اعتبارات اسنادی را صادر کرد اما در اثر اشتباه تایپی نام ذی‌نفع را (sung Jin Electronics co.LTd (sung Jin) درج کرده بود بعد از صدور اعتبارات اسنادی sungjun اعتبارات اسنادی را به Hanil Bank (Hanil) منتقل کرد هنگامی که Hanil اسناد را به بانک BNI ارائه کرد، بانک از پرداخت اعتبارات اسنادی به دلیل چهار مغایرت سرباز زد که مهم‌ترین آنها مغایرت نام sung Jin با sung jun بود. دادگاه در این پرونده این معیار که آیا اشتباه تایپی به روشنی قابل تشخیص





است یا خیر را به کار گرفت و بیان داشت که دلیلی وجود ندارد که به روشنی بتوان تشخیص داد که sung Jin غلط املائی sung jun می‌باشد و همچنین Hanil ادعا کرده بود که بانک به روشنی از درخواست ارائه شده توسط متقاضی می‌توانسته تشخیص دهد که در درخواست وی sung jun آمده است نه sung Jin و این امر موجب گمراهی بانک نبوده است؛ دادگاه پاسخ داد که بر مبنای ماده (a) ۱۳ مقررات UCP ۵۰۰ بانک تنها باید به اعتبارات اسنادی صادر شده و اسناد ارائه شده توجه کند تا مشخص کند که آیا اسناد ارائه شده مطابق اعتبارات اسنادی گشایش یافته می‌باشد یا خیر.^۱

در کنار بررسی این پرونده برخی این پرسش جدی را مطرح کرده‌اند که اگر اشتباه تایپی ناشی از تقصیر بانک صادر کننده باشد و در درخواست گشایش اعتبار موضوع به درستی نوشته شده باشد آیا بانک حق اعلام مغایرت اسناد را دارد یا خیر؟ (Krašovska, 2008: 29) و در پاسخ اعلام داشته‌اند که به نظر می‌رسد پاسخ منفی به این سؤال منصفانه است (karl, 2004: 30) برخی دیگر بر این تصمیم دادگاه ایرادهایی وارد کرده‌اند که از جمله اینکه دادگاه باید قرار کارشناسی صادر می‌کرد که بررسی کند در کشورهای طرفین دعوا (اندونزی و کره) آیا این اشتباه تایپی یا غلط املائی واضح می‌باشد یا خیر؟ (Roane, 2004: 31) یکی از مفسران برجسته حقوق اعتبارات اسنادی، البته در مجال دیگری، فرضی مطرح می‌کند که در اینجا نیز قابل طرح است. بدین صورت که چنانچه در اعتبارات اسنادی دو املا به کار گرفته شده باشد و در بارنامه تنها یکی از آن دو املاء استفاده شده باشد برای بانک صادر کننده بسیار سخت خواهد بود که استدلال کند، اسناد مغایرت دارند؛ زیرا بانک نمی‌تواند مشخص کند که کدام یک از دو املا مندرج در اعتبارات اسنادی درست می‌باشد. (Krašovska, 2008: 29)

۲-۸. دعوای دوم و معیار آیا غلط املائی موجب تغییر معنا می‌شود یا خیر؟

در جریان دعوای مطروحه South Korean Hyosung Corp. v. China Everbright Bank (XiamengBranch)(China, 2003) در اعتبارات اسنادی نام کارخانه KOMHO





KUMHO CHEMICALS co.,LTD نوشته شده بود اما در سند بسته‌بندی و وزن کالا KUMHO CHEMICALS, INC ذکر شده بود. بانک گشاینده، از پرداخت امتناع کرد و دادگاه اعلام داشت که INC در نام کارخانه می‌تواند اسم شرکت را تغییر دهد. در اینجا دادگاه از معیار به کار رفته در ISBP که «آیا غلط املائی موجب تغییر معنا می‌شود یا خیر؟» استفاده کرده است.^۱

۳-۸. دعوای سوم و معیارهای آیا اشتباه تایپی آشکار است یا خیر و آیا اشتباه تایپی عواقبی در پی دارد یا خیر؟

در دعوای Beyene v. Irving Trust Co. (New York, USA, 1985) ذی‌نفع علیه بانک تأییدکننده در خصوص قصور وی مبنی بر پرداخت وجه تحت اعتبارات اسنادی، دعوا مطرح کرد: اعتبارات اسنادی مشخص کرده بود که بارنامه به نام «mohammedsofan» (متقاضی) صادر شود اما بارنامه‌ی تحویل شده به نام «mohammedsoran» بود. دادگاه اعلام داشت که مطابقت حرف به حرف عموماً ضروری است و در راستای حفظ حقوق مشتری خود (خریدار) نباید تعهدی بر بانک تحمیل شود و یا آنکه حقوق بانک به خطر انداخته شود؛ بنابراین، در این پرونده، دادگاه اعلام کرد که اشتباه تایپی، یک مغایرت مهم و اساسی می‌باشد که بانک را مستحق عدم پذیرش اسناد می‌کرده است. تصمیم دادگاه بر دو استدلال عمده استوار بود: نخست) این مغایرت نام، به روشنی نشان نمی‌دهد که اشتباه تایپی باشد. برای نمونه، چنانچه در مورد نام «smith» اشتهاً «smithh» نوشته شده بود این از موارد اشتباه آشکار تایپی می‌بود، بنابراین این ادعای ذی‌نفع که در منطقه خاورمیانه به روشنی معلوم است که soran همان sofan می‌باشد. قابل پذیرش نیست و به روشنی نمی‌توان اظهار کرد که مقصود از نام «soran» همان «sofan» می‌باشد و در واقع نمی‌توان گفت اگر «soran» نوشته شده بود به راحتی بانک می‌توانست تشخیص دهد که چنین نامی وجود ندارد و مقصود همان «sofan»

1. 612 F.Supp. 1533, D.C.N.Y.,1985, affirmed by Bank of Cochin, Ltd. v. Manufacturers Hanover Trust Co.,808 F.2d 209, 3 UCC Rep.Serv.2d 1489 (2nd Cir. (N.Y.) Dec 24, 1986) (NO. 64, 85-7664).148 2000 WL 254007 (S.D.N.Y.), 2000

۲ - برای نمونه دیگر بنگرید دعوای: pasir gudang edible oils sdn bhd v. the bank of newyork



می‌باشد. دوم) درج «sofan» نامی نیست که عواقبی در پی نداشته باشد. این بارنامه نشان می‌دهد که بار برای «soran» حمل شده است و تنها او مستحق دریافت کالا می‌باشد و حمل‌کننده باید اعلامیه رسید کالا را به soran بدهد نه برای «sofan» که این خطر عدم دریافت کالا توسط «sofan» را در پی خواهد داشت و بنابراین امتناع «sofan» از پرداخت مابقی مبلغ اعتبارات اسنادی به بانک قابل توجه می‌باشد.^۱ بنابراین، در این پرونده دادگاه دو معیار را ملاک قرار داد: نخست) آیا اشتباه تایپی آشکار است یا خیر؟ اگر اشتباه تایپی «آشکار» باشد، چنانچه نام «smith» اشتباهاً «smithh» نوشته شده باشد، بانک حق رد اسناد را ندارد. دوم) آیا اشتباه تایپی عواقبی در پی دارد یا خیر؟ اگر اشتباه تایپی عواقبی بر خریدار در پی دارد، از موجبات رد اسناد می‌باشد. (Chimeramombe, 2017: 24)

اگر این پرونده امروز مطرح می‌شد نتیجه رأی به احتمال زیاد مشابه می‌بود؛ زیرا برابر بند (j) ماده (۱۴)، ۶۰۰ USP اسناد حمل کالا باید برابر اعتبارات اسنادی باشد. همچنین برابر ISBP می‌توان گفت که بانک به جهت اختلاف و تغایر اسناد، حق رد اسناد را داشته باشد، زیرا «mohammedsoran» متفاوت از «mohammedsofan» می‌باشد و می‌توان دو شخص باشند نه یک شخص. (Kraaovska, 2008: 26-27)

در دعوای دیگری نیز که واژه BNAK به جای واژه BANK نوشته شده بود دادگاه چینی با این استدلال که این اشتباه تایپی به نحو آشکاری مشخص است، ادعای مغایرت اسنادی را نپذیرفت. (Chimeramombe, 2017: 25)

در ایتالیا نیز در موردی که اختلاف جزئی در اعتبارات اسنادی با اسناد ارائه شده وجود داشت و یکی از شماره‌های فروش اشاره نشده بود و دادگاه به عنوان یک قاعده عمومی اعلام داشت که اختلاف جزئی موجب بی‌اعتباری اعتبارات اسنادی نمی‌شود چون اساسی نیست و اثری بر تعهدات طرفین ندارد و بانک باید اسناد را بپذیرد.^۲ در اینجا دادگاه معیار عواقب بعدی اشتباه را به کار گرفته است. همچنین در دعوای دیگری دادگاه معیار این که



1. 76e f.2D4,C.A 2(N.Y), 1985, 5-7.

2. Credito Italiano v. Societa' Palumbo, Tribunale di Napoli – May 23, 1983, Corte di Appello di Napoli – October 21, 1985 said: (Arban, 2005: 94)



اشتباه واضح است یا خیر را به کار برد. یک ایتالیایی وارد کننده خودرو از آلمان به نام Toscana Auto s.r.l. درخواست گشایش اعتبارات اسنادی به نفع صادر کننده آلمانی در یکی از بانک‌های ایتالیا کرده بود؛ ولی فاکتور ارائه شده به نام Auto Toscana صادر شده بود، بانک اسناد را پذیرفته بود ولی وارد کننده ادعای چند عدم انطباق علیه بانک کرده بود و از جمله اظهار داشته بود که نام وی در فاکتور ارائه شده با اعتبارات اسنادی مطابق نبوده اما دادگاه بدوی و تجدیدنظر و دیوان عالی کشور این ادعا را نپذیرفت و اعلام داشته شد که شخص ثالث تمایزی بین این دو نام قائل نیست و با لحاظ کلیت این سند و سایر اسناد این امر موجب رد اسناد نبوده است. در اینجا دادگاه از معیار اشتباه آشکار استفاده کرده است. (Arban, 2005: 101).

۴-۸. دعوای چهارم و ارائه معیارهای متفاوت

در دعوای Voest-Alpine Trading USA Co. v. Bank of China (Texas, 2000)^۱ دادگاه معیار انطباق دقیق را به نحوی متفاوت تفسیر کرد. در این پرونده اعتبارات اسنادی به وسیله بانک چین به نفع شرکت آمریکایی voest-Alpinea دارای چند اشتباه تایپی بود، از جمله اینکه voest-Alpine USA thadingcorp به جای voest-Alpine thading USA corp نوشته شده بود و بندر مقصد zhanygiagng نوشته شده بود در حالی که املاء درست بند zahangjiangang بود و حرف a بعد از حرف g و پیش از n در انتهای کلمه جا افتاده بود. هنگامی که voest-Alpine اسناد را به بانک ارائه کرد بانک اسناد را مورد پذیرش قرار نداد و ادعا کرد در کنار سایر موارد، نام ذی نفع متفاوت از نامی است که در اعتبارات اسنادی درج شده است. همچنین شماره اعتبارات اسنادی و مقصد نیز در گواهی مبدأ و گواهی ذی نفع اشتباه درج شده است. زمانی که محصول آماده حمل بود قیمت به نحوه قابل ملاحظه‌ای در بازار پایین آمد و خریدار از انصراف نسبت به موارد مغایرت، امتناع کرد. دادگاه در استدلال خود مشکل تفسیرهای مختلف از اصل انطباق دقیق را



1. 167f. sup d,40S.D.tex. 2000, abf,d,288 f.3d,2b29 C.A.5(Tex) 2002 P.P, 9H2-9H9.



برجسته کرد و سه نوع معیار که بانک‌ها باید برای ارزیابی اسناد ارائه شده در نظر بگیرند، ارائه کرد.

نخست، معیار مطابقت آینده‌وار که این تفسیر به وسیله دادگاه مشکل‌ساز دانسته شد؛ زیرا بانک را از مسئولیت به کارگیری معیار تشخیص متعارف برای بررسی اسناد ارائه شده که برابر صورت ظاهر مرتبط با معامله بوده، معاف می‌کند و حتی بانک را از اینکه بررسی کند کلیت یک سند در زمینه و در ارتباط با سایر اسناد ارائه شده به بانک چه جایگاهی دارد، نیز معاف می‌کند و لذا دادگاه اعلام کرد این معیار نمی‌تواند درست باشد. دوم، معیار انطباق دقیق بدین نحو اعمال شود که اگر بانک اسناد ارائه شده را مورد پذیرش قرار دهد خطر برای بانک صادر کننده اعتبارات ایجاد خواهد کرد؟ سوم، معیار انطباق دقیق بدین نحو اعمال شود که اگر اسناد مورد پذیرش قرار گیرند خطری برای متقاضی ایجاد می‌کند؟ چنانچه مغایرت خطری برای متقاضی ایجاد کند، اسناد باید رد شود.

دادگاه معیار دوم و سوم را با ترکیب ناهمخوانی به کار گرفت که بانک باید در بررسی خود هم بررسی کند آیا پذیرش اسناد موجب ایجاد خطر برای بانک و یا متقاضی خواهد بود یا خیر؟ بدیهی است که این ترکیب قابل انتقاد است و موجب می‌شود که پایه اصل استقلال اعتبارات اسنادی سست شود. (Krašovska, 2008: 35)

در نهایت بانک بیان داشت که معیار میانه و متناسبی با (۵۰۰) UCP و نظرات مشورتی صادره از کمیسیون بانکی ICC، برای اعمال وجود دارد که بیان داشته‌اند: معنای شرط مشابهت بین اعتبارات اسنادی و اسناد ارائه به بانک این است که تمام اسناد باید به نحو آشکاری مرتبط با معامله مشابه باشند. در حقیقت یک ارتباط یا پیوند بر اساس ظاهرش با دیگر اسناد داشته باشد؛ بنابراین کمیسیون بانکی این نظر که تمام اسناد باید دقیقاً از نظر واژگانی مشابه هم باشند را رد کرد. دادگاه در ادامه نتیجه گرفت که یک تشخیص متعارف بر اساس هر مورد، این اجازه را خواهد داد که انحراف اندکی از لحاظ املائی



1. Consistency.
2. Relation or Link.
3. Icc,Banking common publication no.371, Decisions (1975-1979 of the Icc Banking. commission 1980,R12.



وجود داشته باشد؛ زیرا هماهنگی کامل میان اسناد و اعتبارات اسنادی ناممکن است. حال آنکه نتیجه نهایی چنین تجزیه و تحلیلی ممکن است شباهت قوی‌ای به معیار انطباق دقیق تخفیف یافته داشته باشد. در این روش انطباق، بانک صادر کننده باید یک سند خاص را در پرتو تمام اسناد ارائه شده تفسیر کند و برای این امر یک تشخیص متعارف به کار گیرد اما لازم نیست که خطرهای ارزیابی کند یا فراتر از ظاهر اسناد رود.^۱

دادگاه موارد مغایرت مورد ادعای بانک را بر مبنای این معیار مورد تجزیه و تحلیل قرار داد: مغایرت نخست، نام ذی‌نفع در اسناد ارائه شده Voest- Alpine Trading USA که متفاوت از نام ذی‌نفع در اعتبارات اسنادی که Voest- Alpine USA Trading است، نمی‌تواند موجب رد اسناد توسط بانک و در نتیجه نپرداختن وجه شود؛ زیرا تمام اسناد ارائه شده توسط Voest- Alpine (ذی‌نفع) به روشنی مرتبط با معامله و آدرس نیز همانند آدرسی بود که در اعتبارات اسنادی درج شده بود و بیمه‌نامه که عنوان بخشی از اسناد اعتبارات اسنادی ذکر شده بود، نام ذی‌نفع اعتبارات اسنادی را با املائی درست Voest- Alpine Trading USA Corp نشان می‌داد.^۲

در نمونه مشابه در دعوای (persero) PT. Bank Negara Indonesia علیه Hanil Bank بانک صادر کننده، اعتبارات اسنادی که نام ذی‌نفع در آن اشتباه شده بود، صادر کرد؛ در حالی که اسناد ارائه شده دیگر حاوی نام صحیح بود. دادگاه هانیل نام مورد منازعه در اعتبارات اسنادی را مرکز توجه خود قرار داد و عمل بانک در نپذیرفتن اسناد را تأیید کرد؛ در حالی که دادگاه در دعوای Voest- Alpine اعلام داشت که عمل بانک در نپذیرفتن اسناد، درست نبوده است؛ زیرا اسناد ارتباط معقول با قرارداد و با همدیگر داشته‌اند. (Krazorska, 2008: 37) مورد اختلاف و مغایرت اسنادی دوم - شماره اعتبارات اسنادی LC9521033195 بود و در فاکس ارسالی توسط ذی‌نفع LC9521033159 نوشته شده بود و دادگاه اعلام داشت که بانک به سادگی می‌توانسته از طریق سایر اسناد شماره صحیح را تشخیص دهد یا اینکه سایر اطلاعات ارائه شده در



1. 167f.sup.d 94e,S.D.Tex.92000,at 947.
2. 1b7f.Supp.2d9Ho,S.D.Tex,2000,P.P9HT-9H8.



فاکس را نگاه کند و بیابد که این سند به عنوان یک کل در بردارنده یک ارتباط آشکار با معامله است؛ بنابراین این اختلاف در اسناد نمی تواند مبنایی برای نپذیرفتن اسناد توسط بانک باشد.^۱

در نمونه ای مشابه در دعوای E&Hparteners V. Broadway national Bank دادگاه چنین تشخیص داد که درج نادرست شماره اعتبار اسنادی در اسناد ارائه شده موجب رد اسناد نمی شود؛ اما استدلال و معیار این دادگاه متفاوت از دادگاه رسیدگی کننده به دعوای Voest- Alpine بود. دادگاه یک معیار کاملاً ذهنی و غیر عینی به کار گرفت؛ بدین صورت که آیا این اشتباه می توانسته بانک را گمراه کند؛ در واقع یعنی می توانسته برای بانک غلط انداز باشد یا خیر؟ (Krazorska, 2008: 37)

اشتباه سوم در خصوص املاي غلط بندر مقصد بود. گواهی مبدأ بندر مقصد را «Zhanygiayny» به جای «Zhanygiagany» نوشته بود که حرف «a» در انتهای واژه نوشته نشده بود. در گواهی ذی نفع بندر مقصد «Zhanygiayny» نوشته شده بود که حرف «y» و «a» از نگارش افتاده بود. دادگاه اعلام داشت که در چین بندری به نام «Zhangiyayny» وجود ندارد. در این پرونده سایر اطلاعات ارائه شده در سند از جمله شماره اعتبارات اسنادی و شماره قرارداد صحیح بود و سند به عنوان «یک کل» یک ارتباط آشکار با معامله داشت و غلط املايی در نام بندر مقصد نمی توانسته دلیل کافی برای نپذیرفتن اسناد باشد زیرا بقیه همان سند نشان دهنده «پیوند» با معامله برابر «ظاهرش» بوده است.

در دعوای Gudany Edible oils sdnBhel V. the Bank of New York نام بندر مقصد غلط املايی داشت، دادگاه مقرر داشت که این مغایرت املايی موجب رد اسناد نمی شود؛ زیرا پذیرفتن آن عواقبی در پی ندارد و در واقع دادگاه معیار «نداشتن عواقب» را به کار گرفت.





باید توجه داشت که در UCP600 دیدگاه «تشخیص متعارف» که در دعوای Voest-Alpine توسعه یافت؛ پذیرفته شده است. این امر به خوبی از مقایسه بند (الف) ماده (۱۳) و بند (ب) ماده (۱۴) UCP500 و در بند (الف) ماده (۱۴) و بند (ت) ماده (۱۴) یوسی پی ۶۰۰ می‌توان فهمید. برابر بند (الف) ماده (۱۴) «بانک تعیین‌شده‌ای که موافقت خود را اعلام کرده، بانک تعیین‌کننده در صورت وجود، هم‌چنین بانک گشاینده باید اسناد ارائه شده را بررسی و صرفاً بر اساس صورت ظاهر اسناد مشخص کنند که آیا اسناد ارائه شده مطابق با شرایط اعتبار است یا نه؟». (ذوقی، ۱۳۹۴: ۴۰) این امر را با صراحت بیشتری می‌توان در بند (ت) ماده (۱۴) استنباط کرد که به موجب آن «اطلاعات مندرج در سند هنگام تطبیق با متن اعتبار، خود سند و رویه‌های استاندارد بانکداری بین‌المللی نیازی به تطبیق بند به بند ندارد، ولی نباید تناقضی هم با خود سند، سایر اسناد تصریح شده در اعتبار یا اعتبار داشته باشد». (ذوقی، ۱۳۹۴: ۴۱)

نتیجه‌گیری

از تجزیه و تحلیل دعوای مشخص شد که هنوز دادگاه‌ها در تفسیر اصل انطباق دقیق و شیوه انطباق اختلاف نظر دارند. هر چند امروزه دادگاه‌ها به جهت حجم بالای اعلام مغایرت اسناد از طرف بانک‌ها، غالباً معیار انطباق اساسی را به کار می‌گیرند و از معیار انطباق دقیق آینه‌وار کمتر بهره‌برده‌اند با این همه در خصوص غلط‌های املائی و اشتباهات تایپی در قرارداد و اعتبارات اسنادی دادگاه‌ها شش معیار مختلف برای ارزیابی اسناد به کار گرفته‌اند.

در خصوص غلط‌های املائی و اشتباهات تایپی در قرارداد و اعتبارات اسنادی دادگاه‌ها شش معیار مختلف برای ارزیابی اسناد به کار گرفته‌اند: ۱- آیا غلط‌های املائی و اشتباهات تایپی آشکار هستند یا خیر؟ ۲- آیا غلط‌های املائی و اشتباهات تایپی عواقبی در پی دارند یا خیر؟ ۳- آیا سند بر اساس ظاهرش نشان‌دهنده پیوند معقولی با معامله می‌باشد یا خیر؟ ۴-

۱. ترجمه این بند به درستی صورت نگرفته است و معنای identical موجود در متن انگلیسی معنای بند به بند نمی‌دهد بلکه منظور از آن کاملاً یکسان از حیث حرف به حرف می‌باشد.





آیا بانک با اشتباه تایپی و غلط املائی گمراه می‌شود یا خیر؟ ۵- آیا اسناد حرف به حرف آنها مثل همدیگر هستند یا خیر؟ در واقع اسناد باید مانند بازتاب تصویر در آینه دقیقاً همانند همدیگر هستند؟ ۶- آیا اشتباه و مغایرت می‌تواند بر روی معنای نام اثر بگذارد؟ در بند (الف) و (ت) ماده (۱۴) یو سی پی ۶۰۰ به نظر می‌رسد معیار سوم پذیرفته شده است. بنابراین، اگر شماره اعتبارات اسنادی در اسناد اشتباه ذکر شده باشد اما جزئیات معامله یا شماره قرارداد یا نام ذی‌نفع و متقاضی به درستی نوشته شده باشد، در اینجا سند به عنوان یک کل با دیگر اجزا و اسناد و با همدیگر، هماهنگی دارد و صرف اشتباه در شماره اعتبارات اسنادی موجب مغایرت در اسناد و در نتیجه امکان عدم پذیرش آنها توسط بانک نمی‌شود. همچنین مشخص شد که معیار مذکور در ISBP که بیان می‌دارد اشتباهات تایپی و غلط املائی در صورتی که اثری بر روی معنای کلمه یا جمله نگذارند، موجب مغایرت اسنادی نمی‌شود؛ در بیشتر پرونده‌ها کمک کننده نمی‌باشد.

به نظر می‌رسد که دادگاه‌ها باید بر اساس نوع هر سند و اهمیت آن روی به یکی از دو رویکرد انطباق دقیق اساسی یا آینه وار بیاورند. برای نمونه هنگامی که اسناد حمل و نقل محل اختلاف بوده، معیار انطباق دقیق آینه وار که دارای سخت‌گیری بیشتری می‌باشد را اعمال کنند، در موردی که اختلاف در جابجایی یک حرف در نام می‌باشد، دادگاه‌ها باید نرمش بیشتری را اعمال کند و به این مساله بپردازند که آیا این جابجایی در حرف موجب مغایرت معنایی می‌شود یا خیر؟ آیا عواقبی را در پی دارد یا خیر. روندی که به دلیل ضرورت‌های عملی آغاز شده است و برحسب اقتضائات تجارت بین‌المللی نتیجه‌ای متفاوت خواهد یافت.

منابع:

- (۱) ابریشمی، علی، جمالی‌نیا، خدیجه، ۱۳۹۷ش، محدودیت‌های دکرترین انطباق دقیق اسناد با تأکید بر شیوه نوین تعهد پرداخت بانکی BPO، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ش ۲۴.
- (۲) بناء نیاسری، ماشاءالله، ۱۳۹۶ش، نقض بنیادین در قراردادهای بیع اسنادی: دکرترین انطباق دقیق ارائه در حقوق اعتبارات اسنادی و قرارداد پایه بیع، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۶۵.





- (۳) تذهیبی، فریده (ترجمه)، ۱۳۹۴ش، مقررات متحدالشکل ضمانت‌نامه‌های عندالمطالبه، تجدیدنظر سال ۲۰۱۰، کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی، تهران: انتشارات جنگل، چ ۳.
- (۴) ذوقی، محمد صالح (ترجمه)، ۱۳۹۴ش، مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی UCP600، تهران، انتشارات آتیه‌نگر، چ ۱۱.
- (۵) سلطانی، محمد، لسانی، مهسا، ۱۳۹۶ش، معیارهای انطباق ارائه در حقوق اعتبارات اسنادی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۸۰.
- (۶) شهبازی‌نیا، مرتضی، الهلونی زارع، فاطمه، ۱۳۸۸ش، تأثیر اشتباه‌های تائیدی و غلط‌های املائی بر قرارداد اعتبارات اسنادی، مجله حقوق اسلامی، ش ۲۱.
- (۷) -----، ۱۳۹۰ش، مفهوم انطباق دقیق اسناد در اعتبار اسنادی با تأکید بر سند سیاهه تجاری، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۳.
- (۸) شیرازی، فریدون (ترجمه)، ۱۳۹۴ش، رویه‌های بین‌المللی بانکی برای بررسی اسناد به موجب UCP600، تهران، انتشارات جنگل، چ ۲.
- (۹) لنگریچ، رینهارد، ۱۳۹۴ش، اعتبارات اسنادی در حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه: سعید حسنی، تهران، نشر میزان، چ ۲.

- 10) Adam, Mohamed Ibrahim, (May 2006), The Problem Relating to The Interpretation of Strict Compliance Rule In Letters of Credits Practice, available at: www.dradamlawoffice.com/pdf/the_problems.pdf
- 11) Arban, Erika, (2005), The Doctrine Of Strict Compliance The Italian Legal System, Arizona Journal of International & Comparative Law Vol. 23, No. 1.
- 12) Byrne, James, (2009), Interviewed by Rosmawani che Hashim kualalumpur, university of George mason, USA Legal Network Series.
- 13) Chimeramombe Kudakuwashe, deficiencies (2017) in the law of letters of credit: inconsistent approaches to the doctrine of strict compliance, Jonesburg university.
- 14) Cranston, Ross. Avgouleas, Emilios. Zwieten, Kristin. Hare, Christopher. van Sante, Theodor, (1997), Principles of Banking law, New york Oxford University Press, 1st ed.
- 15) DC-PRO 2005 LC Market Intelligence Survey, 2006 Annual Survey of Letter of Credit Law & Practice.
- 16) Folsom, Ralph. Gordon, Michael. Spanogle, John. (1997). international Business Transactions, , West Academic Publishing, 1st ed.

- 17) ICC (2007) International Standard Banking Practice for the examination of documents under documentary credits, 2007 Revision for UCP 600, ICC Publication.
- 18) Jack, Raymond, (2001), Documentary Credits, London, Butterworths, 3rd ed.
- 19) Karl, Andreas, (2004), letters of credit and the Doctrine of strict compliance, thesis, university of uppsala.
- 20) Khademan, Mahmood, (1996), Documentery letters of ccredit and related rules under international trade law: a case for action, phd thesis, Glasgow university,.
- 21) Kraåovska, Danute, (2008), Impact of the Doctrine of strict compliance on a letter of credit transaction, Master Thesis University of Aarhus, Aarhus School of Business.
- 22) Mehta, Ravi, (march 2007), Dose UCP 60 soften or end the Doctrine for strict compliance? Lc views, newsletter, No 101., available at: www.lcviews.com/LCVIEWS_PDF/LCVIEWS101.pdf
- 23) moses, maryaretl. Controlling the letter of credit trance action the newjersey state bar association, available at: www.conneellfoley.com/articles/moses.html.
- 24) Murry, Carole, Holloway, David, Timson-Hunt, Daren, Dixon, Giles, (1993), Schmithoffs Export Trade: The Law and Practice of international Trade, Sweet and Maxwell, 1st ed.
- 25) Mulaudzi Dineo,(2017), The doctrine of strict compliance regarding letters of credit, university of Pretoria.
- 26) Oelofse, A.N, (1997), The Law of Documentary Letters of Credit in Comparative Perspective, Pretoria: Interlegal, 1st ed.
- 27) Roane, Kyle, (2004), Hanil Bank, r.Bank Negara Indonesia (persero): continuiny The Quandary of Documentary compliance under international letters of credit, Vol. 41, Houston law Review.
- 28) Rooy, frans, (1984), Documentary credits, Deventer, Boston: Kluwer Law, 1st ed.
- 29) Winston Choon Teck, Chew, (1990), Strict Compliance in Letters of Credit: The Banker's Protection or Bane?, Singapore Academy of Low journal, Vol. 2, No. 1.

